زنان و دربار

تجسم زن در دربار قاجار و لوئی پانزدهم

نویسنده

پریسا تقی پور

www.ketab.ir

سرشناسه	:	تقی‌پور، پریسا، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	زنان و دربار : تجسم زن در دربار قاجار و لویی پانزدهم/نویسنده پریسا تقی‌پور.
مشخصات نشر	:	تهران : وانیا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۳ص.: مصور.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۵۶۴-۵۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	زنان در هنر
موضوع	:	هنر تطبیقی
موضوع	:	فمینیسم — مطالعات تطبیقی
موضوع	:	زنان درباری — ایران
موضوع	:	نقاشی‌های فرانسوی — زمینه و موضوع
موضوع	:	نقاشی‌های ایرانی — زمینه و موضوع
موضوع	:	فمینیسم و هنر
موضوع	:	ایران — تاریخ — قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق. — زنان درباری
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ N۱/۶۳۰/
رده بندی دیویی	:	۷۰۴/۹۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۱

www.ketab.ir

نشر وانیا

زنان و دربار

تجسم زن در دربار قاجار و لویی پانزدهم

نویسنده: پریسا تقی پور

شمارگان: ۳۰۰ نسخه — شابک ۴-۵۲-۶۵۶۴-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴ — طرح جلد: مهربان آقا میری

نشر وانیا: خیابان جمهوری خیابان منیری جاوید شماره ۱۴

تلفن ۶۶۹۱۵۳۱۱-۶۶۹۵۱۶۴۳-۰۹۱۲۱۸۶۶۵۵۸

۲۵۰۰۰۰ ریال

نوشتار پیش رو کنکاشی است در حوزه‌ی مطالعات تطبیقی، که تلاش دارد تا از طریق مقایسه و بررسی نقاشی‌های موجود از دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه قاجار و دربار لوئی پانزدهم به نتایج جدیدی در زمینه‌ی نقش زنان در این آثار با توجه به نظریات فمینیستی دست‌یابد.

با وجود بررسی آثار نقاشی این دو دوره‌ی تاریخی، قابل ذکر است که تصاویر به لحاظ سبک شناسی، ریخت شناسی و زیبایی شناسی بررسی نمی‌شود، چراکه نحوه‌ی تجسم زنان دراین دو دوره‌ی زمانی مورد نظر است که با توجه به اختلافات فرهنگی و اجتماعی دارای شباهت‌ها و اختلاف‌هایی نیز هستند.

www.ketab.ir

مقدمه

در تمامی جوامع از دیرباز تا کنون زنان یکی از موضوعات آثار نقاشی هستند، بهره گیری از زیبایی بدن زنانه دست مایه خلق آثاری بس ارزشمند گشته است.این بهره مندی از جنبه زیبایی شناسی نگاه با بیان عواطف و حالت‌های نهفته‌ی روانی همراه است که نمونه‌های آن در پیکره نگاری‌های دوره قاجاریه و در دربار فتحعلی شاه، نمود می‌یابد. در مقابل هنر غرب نیز با تصویر کردن پیکره زن‌ها به گونه‌ای دیگر دراین راستا قدم بر می‌دارد. هنر دوره رکوکو که هم زمان با سلطنت لوئی پانزدهم در فرانسه جان می‌گیرد زن نوازی‌های خاص خود را دارد. این نگاه مادی به زنان در هرزه نگاری‌ها از دید فمینیست‌های رادیکال مغایر با اصول فمینیستی است. با کنار هم گذاشتن آثار نقاشی دو دوره یاد شده چند سوال مطرح می‌شود. جایگاه زنان دراین دو دوره فتحعلی شاه و لویی پانزدهم- تا چه اندازه در نقاشی‌ها نمود یافته است؟ مفهوم و هدف از نمایش برهنگی و جنسی نگاری در به تصویر کشیدن زنان در دیدگاه دو دوره مذکور چیست؟ و یا حضور زنان برهنه در پیکره نگاری‌های دوره فتحعلی شاه در قیاس با حضور مردان درباری و رجال در این پیکره نگاری‌ها به چه چیز اشاره دارد؟

بررسی‌های حاصله حاکی از این است که به دلیل تفاوت در زیر بنای فرهنگی ایران و فرانسه نگاه آن‌ها به زن معنایی متفاوت می‌یابد ولی در توجه به جنسی بودن زن هر دو جامعه دیدگاهی مشترک دارند که از دیدگاه فمینیست‌ها نوعی پست شمردن و تجاوز به حقوق زنان است.

«نقش و اهمیت مقایسه و تطبیق در شناخت بر هیچ کس پوشیده نیست جایگاه مقایسه در شناخت تا آن جاست که بدون مقایسه و تطبیق، امکان شناخت وجود ندارد. انسان

www.ketab.ir

امروزی دریافته است که برای شناخت خود و هویتش علاوه بر جست و جو و تامل در پیشینه‌ی فرهنگی و بومی می‌بایست به شناخت فرهنگ‌های دیگر و پیرامونی اهتمام ورزد که پژوهش‌های تطبیقی با به کارگیری اصول و روش شناسی مناسب می‌تواند دراین مطالعات راه گشا باشد».(عبدی، ۱۳۸۹: ۱۶۸)

یکی از روش‌های مفید برای دست‌یابی به اطلاعات سودمند و کارا و همچنین رسیدن به نتایج درست و منطقی در زمینه علوم مختلف استفاده از مطالعات تطبیقی است که در همه‌ی علوم بازدهی مفید داشته و محقق را به سمت و سوی کشف مسائل مختلف هدایت می‌کند. این روش بررسی ریشه‌های طولانی در پژوهش دارد، به طور مثال «مطالعات تطبیقی سابقه به‌یونان باستان و آثار ارسطو باز می‌گردد و به مطالعه‌ی تطبیقی حکومت‌ها و زندگی سیاسی پرداخته، همین طور مطالعات تطبیقی هنر که به گذشته‌ای بسیار دور و شاید پیش از تمدن‌یونان باستان باز می‌گردد. این دست از مطالعات پیوند تنگاتنگی با تاریخ دانش ما دارد، امااین تلاش‌های نظام مند در زمینه‌ی تطبیق از نیمه‌ی قرن هجدهم با مباحثی از سوی آن باز می‌گردد در حالی که مطالعات تطبیقی به عنوان فعالیتی روش شناسانه در زمینه‌ی تحقیق در حوزه‌ی علوم اجتماعی از نیمه‌ی قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده و اولین کتاب در این زمینه در دهه‌ی ۱۹۸۰ منتشر گردیده است.»(نامور مطلق، ۱۳۸۹: ۲۰)

گذشته‌ی مطالعات تطبیقی در حوزه‌ی هنر را می‌توان در نیمه‌ی اول قرن بیستم‌یافت. «هدفمندترین این تلاش‌ها از مطالعات جورجیا بالتروسایتیس[1]، منتقد و متخصص لیتوانیایی تاریخ هنر که از وی به عنوان بنیان‌گذار پژوهش تطبیقی در زمینه‌ی هنر یاد می‌شود، می‌توان نام برد. همچنین از جوزف اشترزیگاسکی[2] آلمانی، متخصص تاریخ هنر که انجمن تاریخ هنر تطبیقی را بنیان نهاده، آدلف فورت ونگلر[3]، که وی نیز با رویکرد تطبیقی روش نقد هنر را توسعه داد و نیز از حسن شهید شهروردی پاکستانی، ناقد هنر می‌توان‌یاد کرد.»(عبدی، ۱۳۸۹: ۱۵۹) همین حرکت‌های کوچک در پرداختن به مطالعات تطبیقی تبدیل به جریانی بزرگ در این زمینه شد که امروزه در تمامی‌زمینه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و هنری به آن پرداخته می‌شود.

---

1 - Georgia Baltrasaytys

2 - Joseph Ash trzygasky

3 - Adolph Fort Vngler

www.ketab.ir

البته این‌گونه پژوهش مختص جوامع غربی نیست بلکه ریشه‌های آن را در ایران نیز می‌توان یافت. «پژوهشگران پیشینه‌ی تاریخ هنر نویسی درایران را از اواخر دوران تیموری و صفویه به بعد می‌دانند، ازاین دوره اسنادی مانند دیباچه‌های هنری، تذکره‌ها و کتاب‌هایی چون گلستان هنر و مناقب هنروران بر جای مانده است. یکی از عناصری که دراین مطالعات به چشم می‌خورد، داوری و نقدهایی است که با روش تطبیق و مقایسه صورت پذیرفته است، به عبارتی مولفان این متون برای شناساندن هر موضوع مورد توجه از روش تطبیقی بهره گرفته‌اند. دراین مطالعات مشخص می‌شود که نویسندگان متون برای معرفی یک هنرمند یا هنر وی گاهی اثر خلق شده را مورد توجه قرار داده به مقایسه آن با آثار دیگر هنرمندان پرداخته‌اند و گاهی ویژگی‌های شخصیتی هنرمند را مورد توجه قرار داده‌اند و در مواردی به جایگاه هنرمند در میان هنرمندان در دوره‌ای مشخص یا طول تاریخ معطوف شده‌اند.»(عبدی، ۱۳۸۹: ۱۵۹)

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۷

فصل اول :

دورنمای مطالعات در حوزه‌ی هنر

موقعیت اجتماعی و فرهنگی قاجاریه (سلطنت فتحعلی شاه) ۲۱

موقعیت زنان در دربار فتحعلی شاه ۲۳

اوضاع اجتماعی و فرهنگی فرانسه قرن هجدهم ۲۵

زنان و نقش آن‌ها در جامعه فرانسه‌ی قرن هجدهم ۳۰

مبانی فمینیسم و شاخه‌های آن ۳۳

فمینیسم لیبرال ۴۰

فمینیسم مارکسیستی - سوسیالیستی ۴۶

فمینیسم رادیکال ۵۲

فمینیسم روانکاوانه ۵۷

فمینیست‌های فرویدی ۵۷

فمینیست‌های لاکانی ۶۳

فمینیسم اگزیستانسیالیست ۶۵

فمینیسم پسامدرن ۷۱

پیکره نگاری دربار فتحعلی شاه ۷۴

جایگاه تصویر زنان در پیکره نگاری قاجاریه ۷۶

زایش و رشد مکتب رکوکو ۷۸

تجلی زنان در نقاشی رکوکو ۸۲

فصل دوم:

پیکره نگاری‌های قاجاریه و آثار نقاشی دربار لوئی پانزدهم و مبانی فمینیسم رادیکال

مقدمه ۸۳

منتخبی از نمود برهنگی پیکره زن در نقاشی قاجاریه ۸۳

عشوه گری دختران در حرمسرا ۸۴

نوازندگی یا طنازی ۸۶

رقاصه‌ی دربار ۹۱

عشق، عشوه و ناز ۹۳

www.ketab.ir

مادر و برهنگی ۹۵
جلوس مادر ایرانی ۹۷
مهر مادر یا تصنع ۹۹
ناز و غمزه‌ی قجری ۱۰۳
رقاصه‌های مخمور ۱۰۵
منتخبی از پیکره‌های زنان در آثار نقاشی هنرمندان رکوکو ۱۰۷
مسافران جزیره عشق ۱۰۸
مجلس عشق نوازی ۱۰۹
عشق و بازی ۱۱۲
عشق بازی پنهان ۱۱۵
خلوت سرای عشاق ۱۱۶
شکارچی برهنه ۱۱۹
برهنگی پیکره ونوس ۱۲۱
نمود نظریه‌های فمینیسم رادیکال در رکوکو و پود نقاشی‌های قاجاریه ۱۲۳
زن نوازی‌های رکوکو و نظریه‌های فمینیسم رادیکال ۱۳۱
زن در پیکره نگاری‌های قاجاریه و آثار نقاشی رکوکو ۱۳۶
فصل سوم :
نقاشی‌های قاجاریه و دربار لوئی پانزدهم
مقایسه تجسم زن در دو دربار فتحعلی شاه قاجار و لوئی پانزدهم با رویکرد فمینیستی ۱۳۹
سخن آخر ۱۴۵
منابع ۱۴۷

www.ketab.ir

پیشگفتار

از اوایل قرن دوازدهم هجری قمری، خاطره‌ی نگارگری فاخر و بی نظیر کم کم فراموش شد و جستجو تصویر انسان فانی از جنت موعود ابدی جای خود را به تثبیت و تحلیل لذت‌های گذران نفس امّاره داد که پادشاهان و شاهزادگان را بر می‌کشید. در بررسی نگارگری دوره‌ی قاجار، نقاشی‌های دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار تفاوت بسیار عمیق و قابل توجهی با نقاشی‌های پیش از خود و بخصوص دوران ناصرالدین شاه و پس از آن دارند. مضامین اصلی این نقاشی‌ها، پیکره‌ی انسانی است. اما حضور مردان در لباس‌های فاخر و مناصب بالا در مقابل زنانی که اغلب نوازنده، رقاص و رامشگر تصویر شده‌اند، حائز اهمیت است. «مسلماً هدف نگارگر از به تصویر کشیدن این زنان پرغمزه و ناز و در اوج جوانی و زیبایی و زنانگی، ساختن منظر وسوسه انگیزی از لذات ممنوع و جسمانی دنیا، در آن سوی درهای ممنوع الورود اندرونی، برای شاهنشاه و اشراف درباست و زمینه‌های عرفانی و ملکوتی به هیچ وجه دراین نگاره‌ها به چشم نمی‌خورد.» (راوندی، ۱۳۶۷، ۱۸) با توجه به جامعه ایران و تفکرات حاکم بر آن نسبت به زنان خلق این گونه آثار نیاز به تامل دارد. علاوه براین آثار، نمونه‌های مشابهی از پیکره‌ی زنان در آثار نقاشی دربار لوئی پانزدهم فرانسه (رکوکو) دیده می‌شود که با دیدگاه قبل ازاین دوران که زنان در نقش‌های مذهبی، اجتماعی و اسطوره‌ای تصویر می‌شدند، مغایرت دارد. نگرش به زن در زمان لوئی پانزدهم و تاثیر عمیقی که معشوقه اش مادام دوپامپادور[1] بر هنر، به خصوص نقاشی گذاشت، تغییر کرد. زنان وجهی زمینی می‌یابند که دارای گوشت و پوستی ملموس‌اند و صحنه‌های

[1]- Madame De Pmpadur

www.ketab.ir

عاشقانه با عشوه‌گری‌های زنان سینه باز فرانسوی موضوع اصلی آثار نقاشی می‌شوند. این ناهمگونی در جایگاه زنان و مردان در آثار نقاشی این دو دربار بی ارتباط با تفاوت‌های زیستی میان زنان و مردان نیست، همین تفاوت‌ها سبب بروز مشکلات اجتماعی و جنسی در جوامع می‌شود و سبب گشته برخی از مردان در هر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... به اعمال زور و سلطه بر زنان نیاز روانی و حتی جسمانی داشته باشند. توجه به ستمی‌که بر بدن زنان چه به لحاظ آزارهای جنسی و جسمی و یا هرزه نگاری صورت گرفته، از مباحثی است که فمینیست‌ها(رادیکال فمینیسم) به آن پرداخته است.

با فرض براین که صاحبان این آثار نگاهی جنسی و مادی به زن داشته‌اند، با بررسی موقعیت اجتماعی و فرهنگی در این دو دوره‌ی تاریخی به بررسی منابع تصویری(آثار نقاشی منتخب از دو دوره‌ی تاریخی‌یاد شده) پرداخته تا به وجوه مشترک و تفاوت‌ها در بیان منزلت زنان دست یافته و نقاط ضعف و قوت تفکرات فمینیستی در این باره را در متن آن آثار بیابیم.

پرداختن به مسائل جزئی‌تری مانند فرهنگی زنان در نقاشی‌های درباری این دوره شاید مباحث جدیدی را دراین باب پیش روی دیگران گذارده و راهگشایی برای مطالعات بهتر و عمیق‌تر باشد. تفاوت در نمایش برهنگی در نقاشی‌های قاجار و همزمان دوره روکوکو هم تفاوت‌های فرهنگی و فلسفی را بارزتر می‌کند و هم نقطه ضعف و قوت‌این آثار را که محتملاً بی تاثیر از غرب نیست، می‌یابد.

اگر در تاریخ ایران نام زنانی را بیابیم که نقشی در جامعه داشتند مطمئناً این زنان، زنان درباری هستند. چراکه «در جامعه‌ای که زن در آن اهمیت اجتماعی ندارد مسلماً نمی‌تواند اثری از خود در تاریخ به جای بگذارد مگر در شرایطی خاص مانند زنان پادشاهان، مادران و یا دختران آن‌ها، که زنان درباری نیز به طور مستقیم در امور مملکتی نقشی نداشته‌اند بلکه نقش آن‌ها بیشتر بر اساس نفوذی بوده است که بر شوهران و یا پسرانشان داشته‌اند.» (مهرآبادی ۱۳۷۹، ۴۷۵)

گونه‌ای از نقاشی‌ها که با عنوان پیکره نگاری می‌شناسیم مکتبی از نقاشی ایرانی است که از اواخر سده ۱۲ ه.ق آغاز شد و اوج آن در دوره فتحعلی شاه(۱۸۳۴/۱۷۹۷م – ۱۲۵۰/۱۲۱۲ ق) بود. موضوع اصلی نقاشی‌های قاجار انسان است، ولی انسان‌هایی نمایشی که حالتی تصنعی دارد و به روش تزئینی تصویر می‌شود. مردان غالباً شخصیت‌های با نفوذ، از جمله شاه و درباریان هستند ولی زنان پیوسته رامشگران و مطربانند.

www.ketab.ir

مضامین احساسی و شهوانی(تصویر ۳-۲-۹)یکی از موضوعاتی است که برای تزئین حرمسراها به کار برده می‌شد. «زنان رامشگری که به تصویر کشیده می‌شدند نمایانگر بخشی دیگر از زنانی هستند که زندگیشان تنها صرف لذت مردان‌ایرانی می‌شود، همانند سایر زنان که البته با نوع متفاوتی، زندگیشان را برای لذت مردان تلف می‌کردند. » (ویلم، فلور ۱۳۸۱، ۳۵/۳۰) « به علت وفور تصاویر زنان دراین دوره می‌توانیم بگوییم که نقاشی قاجار در یک برداشت کلی نوعی جلوه زنانه دارد.» (امامی۱۳۵۴، ۱۰۸) گرایش به ناپوشیدگی بدن انسان «[زنان] در هنر قاجار وجهی اروتیک، بیمارگونه و مخفی می‌یابد که تنها محل بروزش یا تصانیف مبتذل بازاری بود یا تصویرسازی‌هایی که تنها برای سلاطین قابل رویت بود.» (دادبه ۱۳۸۴، ۹۴) زن سینه باز قاجار اوج شهوت را نشان می‌دهد که متاثر از درک و احساس مرد ایرانی از زن اروپایی می‌باشد. این در حالی است که با وجود حضور زنان برهنه در نقاشی‌های سده هجدهم در دربار فرانسه- دوره روکوکو- «زنان جان و روان جامعه بودند. اینان خدایانی بودند که جامعه آن‌ها را می‌پرستیدند و خلق و خوی جامعه را آنان تعیین می‌کردند.» (دورانت ۱۳۶۹، ۳۳۸) این نگرش زن گرایانه با حضور اجتماعی زن در دوره قاجار سنخیت ندارد. اینجا زنان حتی در طبقات بالا وسیله‌ای برای کامجویی و لذت مردان محسوب می‌شوند. تفاوت قائل شدن میان زن و مرد حتی در آثار هنری نیز قابل رویت است. تاثیر غرب بر هنراین دوره به برهنگی زنان می‌انجامد، در حالی که خدایان و الهه‌های غربی زنان و مردان برهنه‌اند. چرایی این امر را باید جست. زنان نقاشی‌های ما خود خواستند که برهنه کشیده شوند؟ به چه دلیل؟ مردان به چه دلیلی تنها مقامات و رجال درباری فتحعلی شاه‌اند؟ با اینکه تاریخ ایران(دوره هخامنشیان) نشان داده است که تفاوتی میان زن و مرد نیست چرا زنان درنقاشی‌های قاجارمحدود و محکوم به جنسیتشان شده‌اند؟این نا برابری که میان مردان و زنان دیده می‌شود نه نتیجه تفاوت‌های طبیعی(زیستی)، بلکه ناشی از تاثیر محیط است. مردان در هر شرایط اقتصادی، به اعمال زور و سلطه بر زنان نیازی روانی و حتی جسمانی دارند. این تفاوت‌ها به خوبی در نقاشی‌های‌این مقطع از دوره قاجار دیده می‌شود. این مواضعی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

توجه به جایگاه زن در جوامع مختلف نقطه آغاز بررسی آثار تجسمی‌بر جای مانده از آن‌ها است. ازاین رو باید توجه داشت، «زنان در دربار فرانسه قرن هجدهم (دوره لوئی پانزدهم) دارای شان و منزلتی هستند و با وجود زمینی شدن و اروتیسم در نمایش آن‌ها هنوز با

www.ketab.ir

الههها قیاس می‌شوند، برهنگی تنها برای زنان نیست، مردان نیز به دلیل خدا بودنشان و تفکرات انسان مدارانه دوره باستان و رنسانس برهنه به تصویر کشیده می‌شوند. »(دورانت، ۱۳۸۲) در حالی که برهنگی در میان نقاشی‌های بر جای مانده از دربار قاجار (دوره فتحعلی شاه) «تنها برای لذت مردان قجری است، چراکه با نگاهی کوتاه به پوشش زنان در جامعه و نقش آن‌ها در تولید مثل و به طور کلی بررسی جایگاه زنان در دربار بابا خان ما شاهد آثار متفاوتی از پیکر زنان، نسبت به ادوار پیشین، دراندرونی و محل برگزاری مجالس بزم هستیم که چون به لحاظ شرعی مذمت شده است در خلوت سراها نگهداری می‌شوند. از این رو می‌توان این گونه دریافت که دیدن تصاویر برهنه و نیمه برهنه در حرمسرا کمک بزرگی در تخلیه روانی بعضی از این مردان قجری داشته است.» (مهرآبادی،۱۳۷۹) از طال‌ه‌ی نظریات فمینیست‌های رادیکال، «خانواده به علت بردگی جنسی و مادری نحمیلی-یعنی به سبب سلطه مردان بر بدن زنان- ابزار اساسی ستم بر زنان است، این تسلط بر بدن زنان علاوه بر وجه فیزیکی آن روش‌های دیگری مثل هرزه نگاری را نیز شامل می‌شود.»(نجم عراقی، ۱۳۸۷) که نقاشی‌های هر دوره‌ی قاجار و رکوکو با وجود تفاوت فرهنگی و جایگاه زنان در دو دربار مورد نظر شامل‌این نوع ستم (هرزه نگاری) بر زنان می‌شود.

www.ketab.ir